

ابعاد معرفتی امام زمان (عج) در آموزه‌های دینی

f.akbarzadeh7070@gmail.com
aliakbarzadeh1376@gmail.com

کلیه فاطمه اکبرزاده نجار / دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی
علی اکبرزاده نجار / طلبه پایه نهم حوزه علمیه قم
دریافت: ۹۸/۰۸/۰۹ پذیرش: ۹۹/۰۲/۱۱

چکیده

براساس روایات، ائمه چهارده معصوم علیهم‌السلام مخلوقات این عالم هستند و شرط دین‌داری در افراد، معرفت نسبت به آنان است. در یک قاعده اگر فردی امام‌شناس باشد، به تبع آن نسبت به توحید و نبوت هم معرفت پیدا می‌کند و اگر نسبت به امام زمان عصر خود معرفت نداشته باشد، توحید و نبوت را نپذیرفته و به عبارتی، فردی بی‌دین محسوب می‌گردد. این مقاله حاصل گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای با روش توصیفی - تحلیلی، بر آن است که با استناد به روایات مستند از ائمه معصومان علیهم‌السلام و سخنان اندیشمندان اسلامی، که برگرفته از قرآن و احادیث الهی است، به بررسی ابعاد معرفتی امام زمان علیه‌السلام بپردازد تا زمینه شناخت و معرفت حقیقی نسبت به آن حضرت در عصر حاضر را روشن سازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که منتظران امام زمان در زمان غیبت، می‌توانند با استمداد از مجموعه باورهای عمیق درباره امامت، مانند ضرورت و اهمیت آن، نقش امام در عبودیت و بندگی، شناخت ابعاد شخصیتی و ویژگی‌های اخلاقی - رفتاری، شناخت اوصاف و برنامه‌های ایشان، اعتقاد به ظهور آن حضرت و تحقق معرفت به وجود امام زمان، خود را از غفلت‌ها و انحراف‌های زمانه غیبت مصون بدارند و زمینه تکامل معنوی و اخلاقی خود را فراهم کنند و بدین وسیله زمینه‌ساز ظهور امام خود شوند.

کلیدواژه‌ها: معرفت، ابعاد معرفت، امام زمان (عج)، ائمه معصومان علیهم‌السلام

مقدمه

آنها در زمان غیبت، در زمینه اخلاقی شدن جامعه منتظر نقش اساسی دارد و فرد منتظر و جامعه منتظر را از انحرافات اخلاقی و غفلت‌های معنوی مصون می‌سازد و آنان را در سلوک مسیر معنوی دستگیری می‌کند و در نتیجه هم غفلت و انحراف را از آنها دور می‌سازد و هم جامعه منتظر را آماده ظهور امام می‌سازد و زمینه‌ساز بهره‌مندی از ثمرات فراوانی را میسر می‌کند.

در این‌باره، مسئله گسترده شناخت ابعاد معرفت به امام‌زمان(عج)، اهمیت عمده‌ای را به خود اختصاص داده است.

۱. مفهوم‌شناسی

الف) معرفت به معنی ادراک، شناختن و تصور اشیاست. راعب اصفهانی در تعریف معرفت گفته است: «الْمَعْرِفَةُ وَالْعِرْفَانُ؛ إدراک الشیء بتفکر و تدبّر لأثره، و هو أخصّ من العلم، و یضادّه الإنکار» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۶۰)؛ بدین معنا که درک کردن و دریافتن چیزی است از روی اثر آن با اندیشه و تدبیر که اخص از علم است و واژه «انکار» نقطه مقابل و ضد آن است.

بنابراین معرفت یعنی شناخت و آشنایی عمیق و واقعی نسبت به شخصی یا چیزی و شناخت امام زمان به معنای علم و معرفت نسبت به شخصیت و مقام و منزلت آن حضرت و آشنایی با سیره و هدف و برنامه‌های ایشان است. شناخت، زمینه‌ساز اعتقاد و ایمان و در نتیجه عمل و تعهد است. چه زیبا فرموده است امیرمؤمنان علی(ع): «أَنَّ قِيَمَةَ كُلِّ أَمْرٍ وَ قَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۸۴)؛ ارزش و منزلت هر کسی (به اندازه) معرفت اوست.

همچنین در قرآن و احادیث نیز شناخت امام و اعتقاد به او، از اهمیتی ویژه برخوردار است و امری واجب برای هر شخص مؤمن و متدین دانسته شده و شناخت امام، پیوندی ناگسستنی با معرفت خدا و پیامبر دارد و زمینه‌ساز بینش عمیق در دین و منش درست و پسندیده در زندگی است.

ب) امام در لغت از ماده (ا - م - م) به معنای قصد (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۱۲) یا قصد با توجه خاص است؛ و نیز به معنای پیشوا، پیشرو، سرپرست، مقتدا، الگو، راه اصلی و راهنماست (همان، ج ۱، ص ۲۱۳ و ۲۱۴) یا کسی یا چیزی که مورد پیروی واقع می‌گردد؛

در فرهنگ دینی - قرآن و روایات - بحث معرفت و شناخت امام و اعتقاد به او، از اهمیتی ویژه برخوردار است، به گونه‌ای که در ردیف اصول اعتقادی شیعه یعنی توحید، نبوت و معاد قرار گرفته است. در واقع اعتقاد به وجود امام، در هر عصر و زمانی واجب است و به موجب دلایل عقلی و نقلی، ایمان بدون شناخت امام در هر زمان تحقق نمی‌پذیرد؛ زیرا که پیروی کردن بدون معرفت و شناخت امکان ندارد. در منابع روایی موجود احادیث بسیاری وجود دارد که بیانگر اهمیت شناخت امام است (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۲۴۹؛ ج ۱، ص ۲۰۳ و ۱۸۰ و ۳۷۴). در حدیثی از امام باقر(ع) نقل شده است: «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمَوْتُهُ مِيتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ وَ لَا يُعْذَرُ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۶؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۷۷) که بنا بر این روایات هیچ‌گونه عذری از مردمی که امام زمان خود را شناسند پذیرفتنی نیست؛ زیرا مرگ بدون شناخت و معرفت نسبت به امام زمان خود، مانند مرگ جاهلیت است. از اینجا اهمیت موضوع امام‌شناسی و معرفت حقیقی نسبت به امام زمان در هر عصر، به ویژه عصر غیبت آخرین ذخیره الهی حضرت مهدی(عج) به روشنی مشخص می‌گردد.

پیشینه مباحث امام‌شناسی با محوریت مهدویت، از سوی پژوهشگران و محققان بسیاری ارائه گردیده که در این زمینه مقالات و کتاب‌هایی با عنوان *معرفت امام عصر(عج)* (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۳)؛ تاریخ غیبت، موسوعه الامام مهدی(عج)، فی انتظار الامام(ع) تألیف و تدوین کرده‌اند. اما آنچه در این نوشتار به طور خاص مورد توجه قرار دارد، این است که منظور از معرفت به امام چیست؟ معرفت حقیقی به امام زمان(عج) در عصر غیبت چگونه برای شیعیان حاصل می‌گردد؟ ابعاد معرفت به امام زمان بر چند نوع استوار است؟ و چه زمینه‌هایی را برای شیعیان فراهم می‌آورد؟ و در نهایت چگونه می‌تواند در شناخت حقیقی به امام زمان کارایی لازم را داشته باشد.

بدین ترتیب، مسئله اصلی مقاله حول محور بررسی ابعاد معرفتی امام زمان(عج) و توجه شیعیان به این امر در عصر غیبت با استناد به روایات مستند از ائمه معصومان(ع) سخنان علما و بزرگان اسلامی که برگرفته از قرآن و روایات است. ساختار اصلی مقاله بر پایه معرفی امام، بیان ضرورت شناخت و وجود امام، طرق مختلف معرفت به امام زمان(عج) و نیز تعریف و اثبات مهم‌ترین آنهاست؛ چراکه اعتقاد به

۲. معرفت به امام در آموزه‌های اسلامی

در آموزه‌های اسلامی معرفت به امام زمان از جایگاهی ویژه برخوردار است. این مسئله در سخنان پیامبر اکرم ﷺ و دیگر امامان معصوم ﷺ به وضوح خودنمایی می‌کند. برای روشن‌تر شدن این موضوع به برخی از روایاتی که در این زمینه وارد شده است، اشاره می‌کنیم:

«مَنْ شَكَّ فِي أَرْبَعَةٍ فَقَدْ كَفَرَ بِجَمِيعِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحَدُهَا مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَأَوَانٍ بِشَخْصِهِ وَنَعْنِهِ» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۱۲)؛ هر که در چهار چیز شک کند، به همه اموری که خداوند نازل فرموده، کافر است: یکی از آنها معرفت امام در هر زمان به شخص و صفتش است.

در حدیثی از امام صادق ﷺ به نقل از رسول اکرم ﷺ آمده است: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وَوَلَدِي فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ فَمَاتَ فَقَدْ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ» (همان، ص ۴۱۲؛ کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۷۷)؛ هر کس قائم از فرزندان مرا در زمان غیبتش منکر شود، به مرگ جاهلیت مرده است. نعمانی نیز با سند از خود امام صادق ﷺ نقل می‌کند: «مَنْ بَاتَ لَيْلَةً لَا يَعْرِفُ فِيهَا إِمَامَهُ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ» (نعمانی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۲۷؛ برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۶)؛ هر کس شبی را صبح کند، درحالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت می‌میرد. بنابراین تلاش برای شناختن و یافتن امام معصوم در هر عصر و زمان، امری واجب و لازم است.

۲-۱. فلسفه خلقت

با اندکی تأمل در آیات و روایات مختلف می‌توان هدف از خلقت را عبودیت همراه با معرفت «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) بیان کرد که انسان به عنوان اشرف مخلوقات و خلیفه الله در زمین در انجام بندگی به اراده تشریحی خداوند مخیر بوده (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۶، ص ۴۳)، و به تعبیری می‌تواند به وسیله عبودیت و بندگی به آخرین درجه قرب مستعد خود سوق یابد و یا بالعکس، به حیوانیت افول کرده و مشمول آیه مبارکه «... أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (اعراف: ۱۷۹) قرار گیرد و حتی از حیوانات هم پست‌تر گردد. اکنون که فلسفه خلقت عبودیت و بندگی خداوند می‌باشد، اساس و پایه عبودیت و معرفت نسبت به خداوند بوده (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۶، ص ۹۹) و در تأیید آن امام رضا ﷺ در حدیثی می‌فرماید: «أَوَّلُ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ، وَ أَوَّلُ مَعْرِفَةِ اللَّهِ (جَلَّ اسْمُهُ)

انسان باشد یا کتاب یا چیزی دیگر؛ به حق باشد یا باطل (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۷). بنابراین، «امام کسی است که در کارها به او اقتدا می‌شود، و پیامبر ﷺ پیشوایان و خلیفه او پیشوای مردم و قرآن، امام مسلمانان است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۸).

در قرآن کریم واژه امام به صورت مفرد یا جمع در ۱۲ مورد استعمال شده و همان‌گونه که در مورد انسان به کار رفته، بر برخی کتاب‌های آسمانی نیز اطلاق شده است؛ چنان‌که قرآن کریم در مورد حضرت ابراهیم ﷺ فرموده است: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» (بقره: ۱۲۴) و یا درباره تورات فرموده است: «وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَرَحْمَةً» (هود: ۱۷) در جایی دیگر، لوح محفوظ امام نامیده شده است: «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ» (یس: ۱۲).

در اصطلاح کلامی، معانی متعددی از این واژه ارائه شده که شایع‌ترین آن، ریاست و رهبری عمومی جامعه در امور دین و دنیاست (جرجانی، ۱۳۷۰، ج ۸، ص ۳۴۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۶). همچنان‌که شیخ مفید در تعریف امام می‌گوید: «امام، کسی است که در امور دینی و دنیایی مردم به جانشینی از پیامبر ﷺ ریاستی فراگیر دارد» (مفید، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۳۹). اما از منظر عرف مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، این واژه مفهومی بس گسترده دارد و تعریف جامع و کاملی که اصطلاحاً می‌توان از امام بیان کرد این است که امام پیشوایی است که دارای «ولایتی است الهی بر مردم از جانب پروردگار متعال که جامع تمام شؤون دین و دنیاست، همراه با علم و دانش به تمام احکام الهی و تفسیر آن؛ علاوه بر آن، امام مسئول تربیت ظاهری و باطنی انسان‌هاست، همراه با عصمت از خطا و گناهان به تأیید الهی» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۱۹). براساس این تعریف امام زمان یعنی کسی که به غیر از نبوت، در جمیع شؤون دیگر جانشین پیامبر اکرم ﷺ است؛ یعنی انسان کامل، برگزیده خالق، معصوم و پاک‌سرشت و واسطه فیض الهی است که دارای مقامی والا در میان آفریده‌های خداوند است. امام، طریق وصول به حقیقت و مبین و مفسر شریعت است؛ یعنی هم رهبری سیاسی اجتماع را بر عهده دارد؛ هم دارای مقام مرجعیت دینی جامعه است و هم ولایت الهی در دو بعد تکوین و تشریح بر جهان را دارد. بنابراین همان‌گونه که اطاعت و تبعیت از امام و دوستی او، بایسته و واجب است، شناخت شخصیت و ویژگی‌های او نیز ضروری است.

خداوند این است که بندگان این معرفت‌الله که بر آنان عرضه شده است را پذیرفته و بندگی خداوند را قبول کنند.

بنابراین اگر فردی در تحصیل شناخت خداوند تلاش کند، با عرضه معرفت از جانب خداوند، بنا بر حکم عقلی و فطرت پاک و خداجوی بشریت، آن را می‌پذیرد و از مقدمات و پیش‌نیازهای بندگی و عبودیت، محبت و معرفت جمیع ائمه^ع و در رأس آنها محبت امام حسین^ع و معرفت نسبت به امام زمان(عج) در عصر غیبت می‌باشد (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۶، ص ۹۶).

۳. ابعاد معرفت به امام زمان(عج)

از منظر اندیشمندان اسلامی اولین و مهم‌ترین وظیفه یک منتظر کسب معرفت نسبت به وجود امام و شناخت حجت زمان خویش است. معرفت نسبت به امام زمان در هر زمانی نقش محوری در تحقق ایمان دارد. وجود همه معرفت‌ها بدون معرفت امام زمان، برای شخص بی‌فایده است و او را از بی‌دینی و گمراهی خارج نمی‌سازد. کسی که امامان منصوب از جانب خدا را قبول دارد، لازم‌هاش این است که به آخرین آنها که پیشوای زنده و حاضر در این زمان است، معتقد باشد و قبول داشتن پیشوایان قبلی بدون اعتقاد به امام زمان(عج) بی‌فایده است و برای او سودی ندارد. آنچه انسان را از بی‌دینی و اعتقاد جاهلی به نور ایمان و هدایت الهی می‌رساند فقط و فقط معرفت امام زمان خویش است؛ چنان که پیامبر اکرم^ع فرمودند: هر کس بمیرد، در حالی که امام زمان خود را نشناخته باشد به مرگ جاهلی از دنیا رفته است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۰۹؛ امینی، ۱۴۱۶، ج ۱۰، ص ۴۹۱).

بنا به فرموده امام باقر^ع بنده ایمان نخواهد آورد، مگر آنکه معرفت خدا و رسول او و همه امامان و معرفت امام زمان خود را داشته باشد و به آن حضرت رجوع کند و تسلیم ایشان باشد (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۸۰). بنابراین معرفت خدا و رسول اگر به معرفت امام زمان(عج) منتهی نشود، به حال انسان فایده‌ای نخواهد داشت و او را دیندار نمی‌کند. امام صادق^ع فرموده‌اند که منظور از جاهلیت (مرگ جاهلی) در حدیث پیامبر اکرم^ع جاهلیت کفر و نفاق و گمراهی است (همان، ص ۳۷۷)؛ پس عدم معرفت نسبت به امام زمان(عج) نتیجه‌ای جز کفر و نفاق و گمراهی در پی نخواهد داشت. در حقیقت، با نشناختن و

تَوْحِيدُهُ...» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۲) و امیرمؤمنان علی^ع در باب معرفت خداوند چنین فرموده‌اند: «مَعْرِفَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَعْلَى الْمَعَارِفِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۸۱). از این رو، برای کسب معرفت خداوند که بالاترین و بارزترین شناخت در عالی محسوب می‌گردد، به وسایل و انسان‌های کاملی نیازمندیم که در این راه ما را یاری کنند، که ائمه معصوم^ع همان هادیان و راهنمایان ما می‌باشند.

۲-۲. نقش امام در عبودیت و بندگی

عقل انسان برخی از کلیات را درک کرده و تنها به صرف اینکه خداوند ما را خلق کرده است، حکم به تشکر و بندگی از او می‌کند. اما اگر روش و شیوه بندگی را از عقل بخواهیم، از پاسخ به آن عاجز می‌ماند و در اینجاست که نبوت و امامت با ارتباطی که با عالم غیب دارند، انسان را در شناخت صحیح راه بندگی کمک کرده و به واسطه شناخت معرفت آنان می‌توانیم از گنجینه بارزش آنان بهره‌مند شده و به مقام عبودیت و بندگی خداوند دست یابیم.

۲-۳. تحقق معرفت (ارادی و غیرارادی)

تحقق معرفت به اراده و اختیار انسان بستگی ندارد؛ همچنان که در روایتی از امام صادق^ع سؤال شده که معرفت و شناخت ذات و صفات ساحت کبریائی از صنع کیست؟ آیا خود اهل ایمان آن را به دست می‌آورند و تحصیل می‌کنند؟ امام در پاسخ فرمودند: «... مِنْ صُنْعِ اللَّهِ، لَيْسَ لِلْعِبَادِ فِيهَا صُنْعٌ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۳۹۵)، معرفت ساحت کبریائی از صنع و موهبت الهی است که به قلب فردی آن را القاء می‌فرماید و هرگز جز آفریدگار نمی‌تواند معرفت ساحت کبریائی را به قلب اهل ایمان، چه خود باشد یا شخص دیگری ایجاد کند.

بنابراین لازمه معرفت نسبت به یک چیز، پذیرفتن آن نیست و چه بسا نسبت به بسیاری از امور معرفت کافی داریم، اما با اختیار خود از پذیرش آن امتناع می‌کنیم. در حدیثی از امام صادق^ع نقل شده است: «لَيْسَ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ أَنْ يَعْرِفُوهُ، وَلِلْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَعْرِفَهُمْ، وَلِلَّهِ عَلَى الْخَلْقِ إِذَا عَرَفَهُمْ أَنْ يَقْبَلُوا» (قزوینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۵۶۸). بنا بر این روایت، حق خداوند این است که بندگان نسبت به او شناخت پیدا کنند و حق بندگان نسبت به خداوند این است که معرفت از جانب پروردگار بر آنان عرضه گردد و در نهایت حق

بیشتری برخوردار است و در واقع، این نوع شناخت می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی منتظران منشأ اثر و تحول باشد؛ زیرا اگر کسی به حقیقت به صفات و ویژگی‌های امام عصر^ع و نقش و جایگاه آن حضرت در هستی و فقر و نیاز خود نسبت به او آگاه شود، هرگز از یاد و نام آن حضرت غافل نمی‌شود.

نکته‌ای که باید در نظر داشت، این است که شناخت امام زمان (عج) از شناخت دیگر امامان معصوم^ع جدا نیست. اگر کسی به طور کلی به شأن و جایگاه ائمه هدی آگاه شد، صفات و ویژگی‌های آنها را شناخت و به مسئولیت خود در برابر آنها پی برد، به یقین، به شناختی شایسته از امام عصر^ع نیز دست می‌یابد. امام باقر^ع نیز در زمینه نقش عمل به دانسته‌ها در افزایش دانایی می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ عِلْمَهُ اللَّهُ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۸۹)؛ هرکس به آنچه می‌داند، عمل کند، خداوند آنچه را نمی‌داند به او می‌آموزد.

۳-۲. شناخت اوصاف و برنامه‌ها

یکی از بایسته‌های معرفت امام مهدی (عج) شناخت اوصاف و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری است. در منابع معتبر شیعه و سنی درباره معرفت به مهدی موعود چنین نقل شده که او حجت خدا، خاتم اوصیا، رهایی‌بخش امت، مهدی منتظر، قائم آل محمد، صاحب‌الامر، عدالت‌گستر، بقیة‌الله، ظاهرکننده دین، خلف صالح، وارث، صاحب مؤمل، باسط، نایب (انقلابی)، سید، خزینه‌دار علوم الهی، امیر امیران، امام منتظر و... است (عاملی کفعمی، ۱۴۱۸ق، ص ۸۰).

همچنین درباره آن حضرت آمده که او وارث نهایی فضایل و کمالات انبیا و اولیای الهی است. در خرد و دانش از همه پیش‌تر و در طاعت و عبادت و بندگی از همه پیش‌تر و در کرم و بخشش از همه پیش‌گام‌تر و در شجاعت و شهامت و رشادت از همه پیش‌تازتر است. او از همه حلیم‌تر، عابدتر، پرهیزگارتر، سخی‌تر، عامل‌تر به کتاب خدا و عالم‌تر به اوامر الهی است. او محدث (گفت‌وگوکننده با ملائکه) و مستجاب‌الدعوه است. سلاح و شمشیر پیغمبر و مصحف فاطمه، جامعه و میراث پیامبران نزد اوست (مدرسی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۴). هدف نهایی از خلقت انسان، عبودیت و عبادت خدا و در نتیجه رسیدن به قرب (کمال نهایی) است. براین اساس امام مهدی (عج)، وظیفه‌دار تأمین سعادت حقیقی و حداکثر کمال و رشد اخلاقی و فکری مردم و تربیت و احیای نفوس مرده است. او برای تغییر در

تسلیم نشدن به امام زمان (عج)، انسان همه چیز را از دست می‌دهد. همه کارهای خوب و اعمال نیک، در صورت معرفت امام زمان (عج) از انسان پذیرفته می‌شود و در غیر این صورت هیچ‌کدام مقبول نیست. امام صادق^ع می‌فرماید: «اعْرِفْ إِمَامَكَ؛ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَهُ، لَمْ يَضُرْكَ تَقَدُّمُ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ...» (همان، ج ۲، ص ۳۴۹)؛ امام خود را بشناس؛ زیرا هرگاه امام خود را شناختی، تقدم یا تأخر این امر (فرج) زیان‌ت ندهد. همچنین امام صادق^ع در مورد کمترین حد معرفت امام می‌فرماید که بدانید امام مساوی و هم‌درجه پیامبر است، مگر در درجه نبوت. امام وارث پیامبر است و اطاعت از او اطاعت از خدا و رسول است و باید در هر امری به سخن و فرمان او عمل کرد و تسلیم او شد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۶، ص ۴۰۷). بنابراین شناخت و معرفت به آن حضرت، می‌تواند در چند بعد صورت گیرد:

۳-۱. شناخت شخصی و تاریخی

امام مهدی (عج)، دوازدهمین پیشوای معصوم و فرزند امام حسن عسکری^ع و از فرزندان امام حسین^ع است. نام مبارک او «محمد» و لقب او مهدی است. او در تاریخ ۲۵۵ق در سامرا از مادر پاک‌نهادی چون نرجس به دنیا آمده و تاکنون به حیات خود - در خفا و پنهانی - ادامه می‌دهد. او از تبار پاک رسول گرامی اسلام^ص و امیرمؤمنان علی^ع و حضرت فاطمه زهرا^ع است. این شناخت مقدمه‌ای برای معرفت هرچه بیشتر و در نتیجه ارتباط قلبی با ایشان را فراهم می‌سازد. چنان که شیخ صدوق در این باره می‌نویسد: «بر ما واجب است پیامبر اسلام و امامان پس از او را که درود خدا بر آنان باد، با نام‌ها و ویژگی‌هایشان بشناسیم؛ زیرا این امر، فریضه واجبی است که بر ما لازم آمده و خداوند عذر هیچ‌کس را در مورد آن نمی‌پذیرد؛ خواه جاهل [قاصر] باشد و خواه [جاهل] مقصر» (صدوق، ۱۴۱۸ق، ص ۲۹۲۸).

بی‌تردید مراد شیخ صدوق از شناخت امامان بخصوص امام زمان این است که ما آن حضرت را چنان که هست، بشناسیم؛ به گونه‌ای که این شناخت سبب در امان ماندن ما از شبهه‌های ملحدان و مایه نجاتمان از اعمال گمراه‌کننده مدعیان دروغین باشد که چنین شناختی تنها با دو امر حاصل می‌گردد؛ نخست شناختن شخص امام به نام و نسب؛ و دوم، شناخت ویژگی‌های او؛ زیرا به دست آوردن این دو شناخت از اهم واجبات است (موسوی اصفهانی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۱۵۰).

باید دانست شناخت ابعاد مختلف امام، در عصر ما از اهمیت

بر او پیراهن‌های نور است که از شعاع نور عالم قدس، فروغ می‌گیرد. امام زمان، در عصر محمدی، انسان کاملی است که - جز در نبوت تشریحی و دیگر مناصب مستأثره ختمی - حائز میراث خاتم به نحو اتم است و مشتمل بر علوم و احوال و مقامات او، به طور اکمل است. او با بدن عنصری، در عالم طبیعی و سلسله‌ زمان موجود است؛ چنان که لقب شریف صاحب الزمان بدان مشعر است... از وی به قائم، حجة‌الله، خلیفة‌الله، قطب عالم امکان، واسطه فیض، و عناوین بسیار دیگر نیز تعبیر می‌شود... چنین کسی در این زمان، سر آل محمد، امام مهدی هادی فاطمی هاشمی ابوالقاسم (م.ح.م.د) نعم الخلف الصالح و در یک دانه امام حسن عسکری است (حسن‌زاده آملی، ۱۳۸۳، ص ۴۹).

۳-۴. شناخت دستورات و خواسته‌های امام

اگرچه امام زمان غایب است، ولی اراده و فرمانش در میان همه خلایق جاری است. دستوراتش را باید شناخت و فرمان‌هایش را باید اطاعت کرد. از امام صادق علیه السلام حکایت شده که می‌فرماید: خوشا به حال شیعیان مهدی قائم علیه السلام آنان که در دوران غیبت او چشم انتظار ظهور اویند و در دوران ظهورش سرسپردگان اوامر او (سلیمان، ۱۴۲۷ق، ص ۲۲۳).

حال سؤال این است چگونه او امر و دستورات امام زمان (عج) را در زمان غیبت ایشان بدانیم و به آنها عمل کنیم؟ در جواب این سؤال باید گفت که اگرچه در خصوص امام زمان ارتباط محسوس بین امام و مردم وجود ندارد، ولی در هیچ‌یک از دو غیبت صغری و کبری امام زمان، پیوند امام با مردم به طور کلی قطع و گسسته نشده است؛ زیرا در هر دو غیبت، امر سفارت و نیابت وجود داشته و دارد و از طریق نایبان، پیوند امام با مردم برقرار بوده و هست. در زمان غیبت صغری نیابت نایبان خاص بوده و در زمان غیبت کبری نیابت نایبان حضرت عام می‌باشد که با توجه به شرایط و ضوابطی که مطرح می‌کنند اطاعت فقهاء جامع شرایط لازم و در ردیف اطاعت از امام زمان می‌باشد و مخالفت با فقیه جامع شرایط که نایب امام است، مخالفت با امام، و مخالفت با امام، مخالفت با خداوند می‌باشد.

۴. ثمرات معرفت به امام زمان (عج)

معرفت و شناخت حضرت مهدی (عج) آثار و فواید بسیاری دارد. این شناخت می‌تواند مقدمه و زمینه خوبی باشد تا جهت عمل ما درست شکل بگیرد، به همین منظور به برخی از این عوامل اشاره می‌کنیم:

بینش، روش و منش ناسالم مردم و ریشه‌کنی بنیادین مشکلات و نارسایی‌های جامعه بشری، بصیرت و دانایی مردم را شکوفا می‌سازد و بر معنویت و نورانیت آنان می‌افزاید. در واقع با تزکیه و تربیت و آگاه شدن مردم، اخلاق و رفتار آنان الهی می‌شود و آنان به هدف نهایی آفرینش (قرب خدا و تحقق عبادت و عبودیت) نزدیک می‌شوند... در نتیجه این تکامل و تعالی روحی و عقلی، انسان‌ها از ظلم و ستم و فساد رویگردان شده و به نیکی، دادگری، اخلاق، عبادت و یکتاپرستی روی می‌آورند؛ چنانچه در روایتی، آمده است: «اذا قام قائمنا، وضع یدہ علی رؤوس العباد فجمع به عقولهم و اکمل به اخلاقهم» (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۳۶؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ص ۴۸۲)؛ چون قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می‌گذارد عقول آنها را متمرکز ساخته و اخلاقشان را به کمال می‌رساند.

۳-۳. شناخت مقام ولایت و نورانیت مهدی (عج)

در این نوع شناخت، ما با عظمت امام زمان (عج) و تا حد امکان با مقام نورانیت و ولایت ایشان آشنا می‌شویم. اندیشمندان و متفکران اسلامی بر این اعتقاد دارند که تمام مقام‌های رسول خدا، برای امام زمان (عج) و دیگر امامان دوازده‌گانه نیز ثابت است (بجز مقام نبوت و رسالت). بعضی از این مقام‌ها عبارت است از: ۱. مقام تبیین و تفسیر قرآن؛ ۲. مقام ولایت و حاکمیت (یعنی او را به ولایت و امامت بشناسیم و او را ولی امر و واجب‌الاطاعة بدانیم)؛ ۳. مقام قضا؛ ۴. مقام تعلیم و تربیت و... مهم‌تر از همه اینها، توجه به نورانیت ویژه امامان و مقام نورانی آنان است. در این رابطه روایات خاصی نقل شده است. از جمله عباد بن محمد مدائنی می‌گوید: امام صادق علیه السلام پس از نماز ظهر، دست‌ها را بلند کرده و دعا کردند. گفتم: جانم به فدایتان، برای خودتان دعا کردید؟ فرمود: «دَعَوْتُ لِنُورِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَائِقِيهِمْ وَ الْمُتَّقِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ...» (ابن طاووس، ۱۴۰۶ق، ص ۱۷۱)؛ برای نور آل محمد علیهم السلام و غایب آنان و کسی که به امر خدا از دشمنان آنان انتقام می‌گیرد، دعا کردم.

امام رضا علیه السلام نیز درباره آن حضرت می‌فرماید: «بِأَبِي وَ أُمِّي سَمِيَّ جَدِّي شَبِيهِی وَ شَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ جُيُوبُ النُّورِ تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ ضِيَاءِ الْقُدُّسِ...» (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۷)؛ پدر و مادرم فدای او باد؛ او هم نام جدم رسول‌الله و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است.

۴-۱. جلوگیری از انحرافات و گمراهی‌ها

يَحْيَا حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مَيَّتِي فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ لِيُقْتَدِ بِالْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ...» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۰۱)؛ ای مردم هر کس بخواند در زندگی همانند من باشد و همانند من از دنیا برود، ولایت علی علیه السلام را بپذیرد و از امامان پس از او پیروی کند. نهایت آرزوی هر کسی این است که مانند پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی کند و مانند پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا برود؛ و به این آرزو وقتی می توان رسید که طبق فرمایش نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله عارف به ولایت ائمه معصومان علیهم السلام شد.

تاریخ شهادت می دهد انسان هایی که امام خود را شناختند و دست در دست او قرار دادند و سرسپرده اوامر و نواهی ایشان شدند؛ به خیر و سعادت نائل گشته و کسانی که از امام نور فاصله گرفتند، گرفتار امام نار شدند. لذا امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید: «امام حجت بندگان است هر که او را رها کند، گمراه می شود و هر که همراه او باشد نجات می یابد و رستگار می گردد» (مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۲۸ق، ج ۴، ص ۱۴۸).

۴-۴. رهایی از مرگ جاهلیت

در روایات فراوانی که مورد پذیرش شیعه و اهل سنت است تصریح شده، که هر کس امام زمان خود را شناسد، به مرگ جاهلیت از دنیا می رود؛ که ذیلاً به دو نمونه اشاره می گردد:

امام باقر علیه السلام فرمود: «مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمَوْتُهُ مَيِّتَةُ جَاهِلِيَّةٍ وَ لَا يُعْذَرُ النَّاسُ حَتَّى يَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ...» (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۱۵۵-۱۵۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص ۷۷)؛ هر کس بمیرد و امامی نداشته باشد، مرگ او مرگ جاهلیت است و هیچ کسی در این جهت معذور نیست، تا امام خود را بشناسد. منظور از مرگ جاهلیت این است که مانند افرادی که پیش از اسلام، در حال شرک و کفر مردند، از دنیا خواهند رفت. در همین راستا پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ أَنْكَرَ الْقَائِمَ مِنْ وَوَلَدِي فِي زَمَانِ غَيْبَتِهِ فَمَاتَ فَقَدْ مَاتَ مَيِّتَةَ جَاهِلِيَّةٍ» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۱۳)؛ هر کسی منکر قائم از فرزندانم شود در زمان غیبتش و در همان حال بمیرد، قطعاً به مرگ جاهلیت مرده است.

در روایتی دیگر است که زراره از امام صادق علیه السلام پرسید: اگر در دوران غیبت ولی و حجت خدا قرار گرفتیم چه کنیم؟ حضرت او را توصیه می فرماید که همواره این دعا را قرائت کن: «اللهم عرفني نفسك فإنك إن لم تعرفني نفسك لم أعرف رسولك، اللهم عرفني رسولك فإنك إن لم تعرفني رسولك لم أعرف حجّتك، اللهم عرفني حجّتك فإنك إن لم تعرفني حجّتك ضللت عن دینی» (ابن طاووس، بی تا، ص ۳۱۲؛ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۴۲)؛ خدایا! رسولت را به من بشناسان، وگرنه حجتت را نخواهم شناخت. خدایا! حجتت را به من بشناسان، وگرنه از دین خود گمراه خواهم شد.

۴-۲. جلوگیری از بطلان عمل

ثمره دیگری که بر شناخت امام عصر (عج) می تواند مترتب باشد، این است که عمل انسان از بین نمی رود. پرواضح است که قبولی اعمال در گرو پذیرفتن ولایت و منصب امامان معصوم علیهم السلام است.

امام باقر علیه السلام به زراره فرمودند: اسلام بر پنج چیز بنا نهاده شده است: «نماز، زکات، حج، روزه، ولایت». زراره می گوید: عرض کردم کدام یک از آنها برتر است؟ امام فرمودند: ولایت، زیر کلید حاکم و راهنمایی آنهاست. اگر مردی شب تا صبح به نماز و روز خود را به روزه سپری کند و تمام ثروت خود را صدقه دهد و همه ساله به حج برود، اما ولی خدا را نشناخته باشد تا از او پیروی کند و تمام کارهایش به راهنمایی او نباشد، هرگز نزد خداوند اجر و ثوابی ندارد و از اهل ایمان نخواهد بود (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۳۰۱).

۴-۳. رسیدن به حیات معنوی

نتیجه گیری از مجموع آنچه گذشت، می توان نتیجه گرفت که بحث معرفت و شناخت امام و اعتقاد به او در قرآن و روایات، از چنان اهمیتی برخوردار است که در زمره اصول اعتقادی شیعه قرار گرفته است. در واقع به موجب دلایل عقلی و نقلی اعتقاد و معرفت افراد نسبت به امام زمان خود در هر عصر و زمانی واجب است. ایمان بدون شناخت امام در هر زمان تحقق نمی پذیرد؛ زیرا پیروی کردن بدون معرفت و شناخت امکان ندارد. بنابراین معرفت نسبت به امام خود در هر عصر تنها وسیله ای است که می تواند انسان را در هدایت و رسیدن به هدف اصلی خلقت که همان کمال و سعادت دنیوی و اخروی و مقام قرب الهی است، کمک کند.

وقتی انسان به وجود امام خویش عارف شد، به ماء معین دست پیدا کرده و ثمره وصول به این عرفان رسیدن به حیات معنوی است؛ همان گونه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَعَاثِيرَ النَّاسِ مَنْ أَرَادَ أَنْ

سليمان، كامل، ۱۴۲۷ق، *يوم الخلاص في ظل القائم المهدي*، قم، دارالمجتبى.
صافى گلپايگانى، لطف‌الله، ۱۳۸۰، *منتخب الاثر في الامام الثاني عشر*، قم،
کتابخانه آيت‌الله العظمى صافى گلپايگانى.

صدوق، محمدبن على، ۱۴۱۸ق، *الهداية في الاصول والفروع*، قم،
مؤسسة الامام الهادى.

—، ۱۳۷۸، *عيون اخبار الرضا*، تصحيح مهدى لاجوردى، تهران، جهان.
—، ۱۳۹۵، *كمال الدين و تمام النعمه*، تصحيح على‌اکبر غفارى، چ دوم،
تهران، اسلاميه.

طوسى، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، *الامالى*، قم، مؤسسة البعثة دارالتقافه.
عاملى کفعمى، ابراهيم‌بن على، ۱۴۱۸ق، *البلد الامين والدرع الحصين*، بيروت،
مؤسسة الاعلمى للمطبوعات.

قزوینى، مالاخيل بن غازى، ۱۴۲۹ق، *التشافي في الشرح الكافي (للمولى خليل
القزوینى)*، تصحيح محمدحسين درائتى، قم، دارالحدیث.
کلينى، محمدبن يعقوب، ۱۴۲۹ق، *الكافي*، قم، دارالحدیث.

مجلسى، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الأنوار*، چ دوم، بيروت، دارالاحياء التراث
العربى.

مدرسى، حسين، ۱۳۸۴، *ذلک يوم الخروج: دراسه حول ظهور الامام
المهدى (عج)*، قم، انصاريان.

مفيد، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۴ق، *النكت الاعتقادية*، تحقيق على
ميرشريفى، چ دوم، بيروت، دارالمفيد.

مكارم شيرازى، ناصر، ۱۳۸۵، *امامت*، تهران، دارالکتب الاسلاميه.
موسوى اصفهانى، سيدمحمدتقى، ۱۳۹۵، *مكيال المكارم في فوايد الدعاء
القائم*، ترجمه سيدمهدى حائرى قزوینى، چ دوم، قم، بنياد فرهنگى
حضرت مهدى موعود(عج).

مؤسسه معارف اسلامى، ۱۴۲۸ق، *معجم الاحاديث الامام المهدي (ع)*، چ دوم،
قم، مسجد مقدس جمکران.

نعمانى، محمدبن ابراهيم، ۱۴۱۵ق، *الغيبه*، تهران، صدوق.

پس از کاوش در زمینه ابعاد معرفتى امام زمان(عج) از دیدگاه
اندیشمندان اسلامى بدین نتیجه دست یافتیم که اعتقاد به وجود امام
زمان(عج) باورى مؤثر در سوق دادن منتظران به سوى مکارم
اخلاقى است؛ زیرا معرفت به وجود امام، سبب ایجاد گرایش درونى به
آن حضرت مى‌شود و زمینه‌ساز همراهى با ایشان است. بنابراین
شناخت شخصیت تاريخى امام زمان(عج)، شناخت مقام ولايت و
نورانيت ایشان، شناخت ویژگی‌هاى اخلاقى و رفتارى و از همه مهمتر
شناخت برنامه‌ها، دستورات و خواسته‌هاى آن امام همام موجب
مى‌شود که شيعيان واقعى با دستيابى به درک عميق از حضور وجودى
او در عالم، نه تنها امام را عالم به خود مى‌دانند؛ بلکه هر لحظه خود را
در محضر او مى‌بينند و با استمداد از مجموعه باورهای عميق
مى‌کوشند تا زمينه تکامل معنوى و اخلاقى خود را فراهم سازند و از
غفلت‌ها و انحرافات زمانه خود را مصون ساخته و بدین وسيله خود را
برای تحقق ظهورى که انتظار آن را مى‌کشند، آماده کنند.

منابع.....

ابن شهر آشوب مازندرانی، محمدبن على، ۱۳۷۹، *مناقب آل ابى طالب*، قم،
علامه.

ابن طاووس، على بن موسى، ۱۴۰۶ق، *فلاح السائل ونجاح المسائل*، قم،
بوستان کتاب.

—، *بی تا، مصباح الزائر*، قم، مؤسسه آل بیت، لایحیاء التراث.
ابن فارس، احمدبن، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغة*، بيروت، مكتبة الاعلام
الاسلامى.

ابن منظور، محمدبن مكرم، ۱۴۰۵ق، *لسان العرب*، قم، ادب الحوزه.
امینى، عبدالحسين، ۱۴۱۶ق، *الغدیر فی الكتاب والسنة والادب*، قم، مركز
الغدیر للدرسات الاسلاميه.

برقى، احمدبن محمدبن خالد، ۱۳۷۱ق، *المحاسن*، چ دوم، قم، دارالکتب
الاسلاميه.

بنی‌هاشمى، سيدمحمد، ۱۳۸۳، *معرفت امام عصر(عج)*، تهران، نيك معارف.
تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، ۱۳۶۶، *تصنيف غررالحكم و درر الكلم*،
تصحيح مصطفى درائتى، قم، دفتر تبليغات اسلامى.

جرجانى، ميرسيدشريف، ۱۳۷۰، *شرح المواقف الايجى*، قم، شريف الرضى.
حسن زاده‌املى، حسن، ۱۳۸۳، *انسان كامل از دیدگاه نهج البلاغه*، تهران، الف
لام ميهم.

راغب اصفهانى، حسين بن محمد، ۱۴۱۲ق، *مفردات الفاظ القرآن*، بيروت، دارالقلم.
راوندى، قطب‌الدين، ۱۴۰۹ق، *الخسرات و الجراتح*، قم، مؤسسه امام
مهدى(عج).